



الفلاسفة المسلمون والقرآن : مفهوم النص وخصائصه : جدل الوحي والوحي

د. سيف الدين الماجدي
باحث في جامعة الزيتونة (تونس)

التمهيد :

عادة ما يعود الباحث وهو يروم تحديد تعريف للقرآن إلى ما قرره علماء أصول الفقه في المسألة أو إلى مقالة المتكلمين أشاعرة ومعتزلة أو إلى مقدمات علماء التفسير أو إلى تخريجات اللغويين.

ولم يلتفت إلى ما قاله الفلاسفة المسلمون في الموضوع إلا قليلا. رغم كون ما قرره هؤلاء يعد من الجدة والعمق المعرفي بمكان، حيث نظر الفلاسفة إلى القرآن من ملاحظ أخرى ظلت محجوبة عن مقاربات من سبق ذكرهم. وهي ملاحظ رصدت وجوها أخرى وسعت حد التعريف من ناحية وضبطت من ناحية ثانية مداخل أخرى متعلقة بالنص/القرآن/كل التعلق ومساعدة أيضا على تأطير التعامل معه. واعتبر الفلاسفة أنه على المفسر والمؤول أن يكونا على وعي تام بهذه الملاحظ ليصح نظرهما في القرآن ويتم تحصيل المطلوب.

02 Kasım 2018

Valia
210037

YARINCE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

———, *Risāla-yi jabr wa-ikhtiyār*, in N.D. Tūsī, *Majmū'a-yi rasā'il*, ed. M.T.M. Raḡawī, Tehran 1956, 8–27.

———, *Sayr wa-sulūk* as *Contemplation and action: The spiritual autobiography of a Muslim scholar*, ed. and trans. S.J. Badakhchani, London 1998.

———, *Shi'i interpretations of Islam: Three treatises on Islamic theology and eschatology*, ed. and trans. S.J. Badakhchani, London 2011.

Waldman, M.R., *Islamic eschatology*, in *ER*, v, 152–6.

Walker, P.E., *Abū Ya'qūb al-Sijistānī: Intellectual Missionary*, London 1996.

02 Kasım 2018

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Roads to Paradise: Eschatology and Concepts of the Hereafter in Islam Foundations and the Formation of a Tradition Reflections on the Hereafter in the Quran and Islamic Religious Thought, vol. I, edit. Sebastian Günther, Todd Lawson, Leiden: E. J. Brill, 2017. **İSAM DN. 253963.**

Apocalyptic Rhetoric and the Construction of Authority in Medieval Isma'īlism¹

Jamel A. Velji

İsmailiyye
091855
Valij
210027

The apocalypse as a phenomenon of religious studies involves, in its most basic definition, a disclosure of ultimate destiny concerning the end of history.² This disclosure by its very nature operates to recalibrate the sacred around the tenets of this newly revealed religious message. In its redefinition of what is sacred – which one can think of as a recalibration of the axis of theodicy – the apex of sacredness often correlates to the extent of the belief in this new message. Those who obey all tenets of these new beliefs and religious proscriptions are rewarded, and those who do not face a far more challenging path. There is often no place for interstitiality in the apocalypse. We can think about Paul and other Jewish-Christian missionaries insisting that Gentiles could now fully join the Jesus movement – but only if they renounced their native deities and worshiped the one true God of Israel (a theology, in turn, grounded in the eschatological imagery of Jewish apocalyptic texts such as Isaiah).³ We can also think of the Quran's insistence, particularly in the early Meccan Suras, that true religion (*dīn*) is belief in ultimate divine judgment (Suras 95 and 107 are excellent examples).⁴ There is also a sense of urgency associated with the apocalypse, intertwined with the notion that the time we are in now is unlike any other moment in history. We see the effects of apocalyptic disclosure all around us: from the rise of major religious traditions such as Christianity and Islam, to various sectarian movements within those traditions and outside of them, and to the emergence of new religious movements.

¹ Special thanks are due to the organizers of the Paradise conference, as well as to Professors Elizabeth Alexandrin, Alnoor Dhanani, and Racha El-Omari for their kind assistance with various elements of this article.

² This definition is adapted from O'Leary, *Arguing the apocalypse* 5–6.

³ Fredriksen, *Augustine and the Jews* 29–37.

⁴ Michael Sells, among others, has observed that in these early Meccan Suras in particular, *dīn* can also mean the day of reckoning. See, for instance, his *Approaching the Qur'an* 35, 94–5, 124–5. For a recent exploration of the apocalyptic dualities of the Quran, see Todd Lawson, *Opposition and duality. For a discussion of the apocalyptic élan of the early Islamic movement*, see Fred Donner, *Muhammad and the believers*, especially 78–89.

675-688

گرفت. آوازه بلندی داشت و مورد احترام خاص و عام بود. معاصر او اعتماد السلطنه در *المآثر والآثار* و سید احمد حسینی اشکوری در *تراجم الرجال* او را از فقهای متبجر و از اصولیین به نام خوانده‌اند.

آثار گرانقدر او عبارتند از: *اصل الاصول*، *مجمع المسائل* و *مناهج الطريقة فی احکام الشریعه*، کتاب اخیر در ۱۴ مجلد بزرگ در فقه استدلالی سامان یافته است؛ نسخ مخطوط هر سه اثر در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است.

منابع: *کربلاء فی حاضرها و ماضیها*، خطی؛ *مجله حوزه شماره ۱۹۳/۶۶*؛ *مستدرکات اعیان الشیعه*، ۱۴۱۹؛ *مینور*، ۳۴۱/۱.

عبدالحسین شهیدی صالحی

صاحب مواهب ← بروجردی، حاج میرزا

محمود

صاحب التّاحیه، از القاب حضرت مهدی (عج) ←

صاحب الزّمان، ناحیه مقدسه

صاحبه خانم (م ح ۱۲۸۵ ق)، از ارباب فصاحت و بلاغت، شاعره خطاط و هنرمند عصر قاجار. وی علوم اولیه را از فضیلا، عصر خویش فرا گرفت و به مدارج عالی فضل و معرفت نائل گردید و نیز خط را نیکو می‌نوشت و در فنون خط و خطاطی مهارتی داشت. هنگامی که به سن رشد رسید با یکی از شاهزادگان قاجاری، فرزند فتحعلی شاه پیمان زناشوئی بست.

اعتماد السلطنه در *خیرات حسان* می‌نویسد: ... او به صفات حسنه و حیا و عفت موصوف بود و به کسب دانش رغبت داشته و خط فارسی را نیکو می‌نوشته است. سید احمد شیرازی معاصر وی او را چنین ستوده است: ... از معاصران است و در خانه یکی از فرزندان خاقان فتحعلی شاه بوده عفت و عصمتی داشته با خط و کمال هم بوده ... او به صاحبه تخلص داشته و اکثر تذکره نویسان به شرح حال وی پرداخته و از او به نیکی نام برده‌اند.

منابع: *از رابعه تا پروین*، ۱۶۶؛ *جدیدة الشعراء*، ۲: ۱۷۱/۳؛ *خیرات حسان*، ۱۲۴/۲؛ *زنان سخنور*، ۳۰۴/۱؛ *دانشنامه زنان ایران و جهان*، ۱۱۶۰/۲؛ *تراجم اعلام النساء*، ۲۳۲/۲. عبدالحسین شهیدی صالحی

صاحب هدایه ← ایوانکی، شیخ محمد تقی

صادر اول، از مباحث حکیمان مسلمان پیرامون اولین

علوم، ماهر در فقه و رجال، زاهد و عابدی متواضع، متقی، متورع و کوشا در نیل به اجتهاد و در تحصیل علوم بسیار جدی بود. تاریخ نگاران و مورخین می‌نویسند: هنگامی که وهابیه به فرماندهی سعود، امیر نجد، نجف اشرف را محاصره نمود، وی در کنار مجاهدین شیها را در سنگر می‌گذرانید. او یک شب که از سایر سنگرهای مجاهدین بازدید می‌کرد، مشاهده نمود بعضی از نگهبانان مشغول نواختن دایره و دینک می‌باشند و آواز می‌خوانند، وی آنان را منع کرد اما هنگامی که مراجعت کرد، دید تمام نگهبانان به خواب رفته‌اند. وی هراس وار آنان را از خواب بیدار کرد. نگهبانان عرض کردند که همگی ما با نواختن دایره دینک بیدار می‌مانیم و شبها *زُأ صبح* می‌کنیم. وی پاسخ داد بنوازد که این کار شماها عبادت است.

مشهورترین تألیف وی کتاب *مفتاح البکرامه* که شرح مزجی بر کتاب *قواعد علامه حلی* (۶۴۸-۷۲۶ ق) است که یکی از کتب مهم فقه شیعه است، وی دیوان شعر نیز دارد.

منابع: *اعیان الشیعه*، ۲۸۸/۴؛ *الاعلام*، ۱۴۳/۲؛ *تکملة اهل الآمل*، ۱۲۶؛ *الذریعة*، ۱۳۲/۲ به بعد؛ *روضات الجنات*، ۲۱۷/۲؛ *ریحانة الادب*، ۳۹۶/۳؛ *الفوائد الرضویه*، ۸۶؛ *الکرام البرره*، ۲۸۶/۱؛ *لیاب الانتاب*، ۶۴؛ *مضی المقال*، ۱۱۵؛ *مستدرک الوسائل*، ۳۹۸/۳؛ *مکارم الآثار*، ۸۲۱/۳؛ *معارف الرجال*، ۱۵۲/۱ به بعد؛ *معجم المؤلفین*، ۱۶۸/۳؛ *معجم المؤلفین المرقین*، ۱۲۸/۳؛ *هدیه الاحباب*، ۱۸۲؛ *هدیه المارین*، ۲۵۹/۱.

عبدالحسین شهیدی صالحی

صاحب مقابس ← کاظمی، شیخ اسدالله

صاحب مناهج، شیخ فتح الله (ز ۱۳۰۰ ق)، فرزند رجبعلی، معروف به **صاحب مناهج** از اعظم فقها و شیوخ اصولیین امامیه که اصلاً از مردم یکی از روستاهای قزوین است. ولادت و نشأت وی در قزوین بود. پس از اخذ علوم عربی، سطوح عالی خویش را در حوزه درس شهید ثالث و شیخ عبدالکریم ایروانی و ملا آقا حکمی گذرانید. سپس به اصفهان رفته و بعد راهی عتبات مقدسه عراق شد و در کربلا و نجف در حوزه درس اساتیدی مانند شریف العلماء مازندرانی و سید ابراهیم صاحب *صوابط* و شیخ محمد حسن نجفی صاحب *جوهر شرکت* جست. پس از طی مراحل علمی توانست نزد فحول مجتهدین به مقام عظیم علمی نائل گردد. صاحب *جوهر* و شیخ محسن خنفر او را ستوده و از کتاب *مناهج* او به خوبی یاد کرده‌اند. و سرانجام به زادگاه خود قزوین بازگشت و در مدرسه صالحیه کرسی تدریس و رهبری را به دست

210037

DİA

VAHİY

Madde Yayınlandıktan Sonra Gelen Doküman

21.08.2017

Shaffer, Daniel

A chapter of revelations .-- 2002 ISSN: 0142-0798 : Halı: Carpet, Textile and Islamic Art, vol. 125 pp. 106-107, (2002)

Madde Yayınlandıktan Sonra Gelen Doküman

21.08.2017

Akhtar, Shabbir

An Islamic model of revelation .-- 1991 ISSN: 0959-6410 DOI: 10. 1080/09596419108720950 ISSN: 09596410 e-ISSN: 14699311 : Islam and Christian-Muslim Relations, vol. 2 pp. 95-105, (1991)

Qur'ān & Quranic studies / Koran / Kuran / Qoran / Coran | Theology

Madde Yayınlandıktan Sonra Gelen Doküman

21.08.2017

Okine, Abdul Hamid; Muhammad, the Prophet

And God speaks to Muhammad .-- Vantage Press, New York, 1998 :

Prophet Muhammad

VAHIY

Khan, Israr Ahmad

A critique of the theory of the Qur'an's revelation in one single package .-- 2004 ISSN: 0975-6590 : Insight Islamicus: an Annual Journal of Studies and Research in Islam, vol. 4 pp. 57-78, (2004)

Qur'ān & Quranic studies / Koran / Kuran / Qoran / Coran

Madde Yayınlandıktan Sonra Gelen Doküman**03.05.2017**

Kakakhel, Syed Shahid Rasool

A study on the Qur'anic way of coding parables .-- 2010 : The Dialogue: a Quarterly Research Journal, vol. 5 ii pp. 126-135, (2010)

Qur'ān & Quranic studies / Koran / Kuran / Qoran / Coran | Parables

Madde Yayınlandıktan Sonra Gelen Doküman**03.05.2017**

Wild, Stefan

An Arabic recitation. The meta-linguistics of Qur'ānic revelation .-- Peeters en Departement Oosterse Studies, Leuven, 2008 : Self-referentiality in the Qur'ān

Edit. Stefan Wild , pp. 135-157,

Attitudes to Islam & Muslims | Crusades & Latin Kingdoms | Historiography (pre-modern non-Muslim)

Madde Yayınlandıktan Sonra Gelen Doküman**03.05.2017**

González Ferrín, E.

Análisis pragmático del léxico de la revelación coránica .-- 1995 ISSN: 0571-3692 : Boletín de la Asociación Española de Orientalistas, vol. 31 pp. 133-145, (1995)

Qur'ān & Quranic studies / Koran / Kuran / Qoran / Coran

Koshul, Basit Bilal; Peirce, Charles Sanders

Bridging the reason/revelation divide: a Qur'anic-Peircean perspective .-- 2007 ISSN: 0021-0773 : Iqbal Review, vol. 48 ii (2007)

Qur'ān & Quranic studies / Koran / Kuran / Qoran / Coran | Philosophy: modern

Jomier, J.

Coran, révélation et histoire .-- 1995 : Annales du Département des Lettres Arabes (Université Saint-Joseph) / Hawliyyāt Far' al-Ādāb al-'Arabīya (Jāmi'at al-Qiddīs Yūsuf), vol. 6 B / 1991-1992, 1995? pp. 195-212, (1995)

Qur'ān & Quranic studies / Koran / Kuran / Qoran / Coran

Monteiro, Fernando Amaro

Do ente supremo na revelação judaico-cristão, na revelação corânica, e na religião tradicional africana (ajauas e macuas como exemplo) .-- 1991 ISSN: 0871-2336 : Africana (Universidade Portucalense, Centro de Estudos Africanos), vol. 9 pp. 7-23, (1991)

Africa (general) | Qur'ān & Quranic studies / Koran / Kuran / Qoran / Coran | Comparative religion | Paganism

Guiderdoni, Abd-al-Haqq Ismail

A la recherche du savoir: raison et révélation en Islam .-- 1996-97 ISSN: 1277-667X : Cahiers de l'Institut des Hautes Etudes Islamiques, vol. 3-4 pp. 7-29, (1996-97)

Epistemology | Philosophy | Theology

Martínez Montávez, Pedro

Corán, revelación, interpretación .-- El Almendro, Cordoba, 2007 : Los libros sagrados en las grandes religiones: los fundamentalismos. Antonio Piñero - Jesús Peláez (Eds.) , pp. 245-257,

Qur'ān & Quranic studies / Koran / Kuran / Qoran / Coran



BRILL

ARABICA 63 (2016) 656-680

Arabica



brill.com/arab

MADE YAYIMLANDIKTAN
ONRA GELEN DOKÜMAN

31 Mart 2017

A Contemporary Muslim Scholar's Approach to Revelation: Moḥammad Moḡtahed Šabestari's Reform Project

Vahiy (210037)

Ali Akbar

University of Melbourne

akbara@student.unimelb.edu.au



Abstract

Over the late twentieth and early twenty-first centuries, rethinking the traditional understanding of revelation has been welcomed by a number of Muslim scholars. Moḥammad Moḡtahed Šabestari, an influential Šīʿī reformer from contemporary Iran, certainly falls in the category of such scholars. The aim of this paper is to discuss his theory of revelation for the purpose of exploring the potential values it holds for flexible interpretation of Islam in the present context. The paper argues that Šabestari's method of interpretation of the Qurʾān has its roots in his account of revelation. In order to show in practice how Šabestari's understanding of the nature of revelation influences the way he approaches the Qurʾān, the paper focuses on three main themes that consistently appear throughout his writings, namely Qurʾānic socio-political provisions, religious pluralism and the relation between state and religion. The paper, in general, provides an insight of how rethinking the classical methods, ideas and approaches can take place within Islamic tradition in the modern period.

Keywords

revelation, religious experience, Moḥammad Moḡtahed Šabestari, Qurʾānic hermeneutics

Résumé

À la fin du xx^e et début du xxi^e siècles, le fait de repenser la compréhension traditionnelle de la Révélation fut bien accueilli par un certain nombre de savants musulmans.

Moḥammad Moḡtahed Šabestari, un influent réformateur chiite de l'Iran contemporain, appartient sans nul doute à cette catégorie de savants. Le propos de cet article est d'analyser sa théorie sur la Révélation dans le but d'explorer ses valeurs potentielles pour une interprétation souple de l'islam en fonction du contexte contemporain. L'article démontre que la méthode d'interprétation du Coran de Šabestari trouve ses racines dans son récit de la Révélation. Afin de montrer concrètement comment la compréhension qu'avait Šabestari de la nature de la Révélation influence la façon dont il aborde le Coran, l'article se concentre sur trois thèmes principaux qui apparaissent systématiquement dans ses écrits, à savoir les dispositions socio-politiques du Coran, le pluralisme religieux et la relation entre l'État et la religion. D'une manière générale, l'article donne un aperçu de la façon dont le fait de repenser les méthodes, idées et approches classiques peut avoir sa place dans la tradition islamique à l'époque contemporaine.

Mots clefs

Révélation, expérience religieuse, Moḥammad Moḡtahed Šabestari, herméneutique coranique

I Introduction

A number of contemporary Western scholars of Islam, such as Kenneth Cragg (d. 2012), have argued for a rethinking of the traditional Islamic understanding of revelation, according to which the Prophet Muḥammad received revelation in Arabic language from God through the mediation of the Angel Gabriel and passed it on to his companions without any modification. Central to the traditional concept of revelation is the idea that the Prophet played no role whatsoever in shaping the content of the Qurʾān. Having challenged this idea, Cragg criticizes Islamic theology for being "inhospitable" for a long period of time "to its urgent obligation relating to the role of Muḥammad and the event within it of Qurʾānic revelation".¹ The idea that the Prophet Muḥammad was not a mere passive recipient of revelation had long been emphasized in the writings of some orientalist of the twentieth century. Richard Bell (d. 1952), for instance, argued that "*wahy* does not mean the verbal communication of the text of a revelation, but is a 'suggestion', 'prompting' or 'inspiration' coming

1 Kenneth Cragg, *Troubled by Truth*, Edinburgh, Pentland Press Ltd, 1992, p. 3.

23 Ekim 2016

الإلهام نوعٌ من الوحي:

صريح جملة من المفسرين والباحثين في علوم القرآن وغيرهم^(١): بأن الإلهام نوع من الوحي^(٢)، فإنهم ذكروا للوحي عدة أقسام، أهمها:

- وحي النبوة: ومنه قوله تعالى: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ﴾^(٣)، وقوله تعالى: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾^(٤).
- وحي الإلهام، ومنه قوله تعالى: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ﴾^(٥)، وقوله تعالى: ﴿وَأَوْحَى

= يحصل في العاقل ابتداءً زائداً على علوم العقل». رسالة الحدود: ٩٣، فصل فيما يدخل تحت العلوم والاعتقادات، عنوان «الإلهام».

(١) انظر التبيان ٦: ٤٠٣، ٢: ٤٥٨، وجمع البيان (٦٥): ٣٧١، ورياض السالكين ١: ٣١٨، ٣: ٣٨٥، والميزان في تفسير القرآن ١٤: ١٤٩، ١٦: ١٠.

(٢) قيل: «أصل الوحي عند العرب هو إلقاء الإنسان إلى صاحبه ثياباً للاستتار والإخفاء». التبيان ٦: ٤٠٣، وجاء في الصحاح: «الوحي: الإشارة، والكتابة، والرسالة، والإلهام، والكلام الخفي، وكل ما ألقىته إلى غيرك، يقال: وحيته إليه الكلام وأوحيت، وهو: أن تكلمه بكلام تخفيه». الصحاح: «وحي».

ونقل ابن منظور: أن «أصل الوحي في اللغة كلها: إعلامٌ في خفاء؛ ولذلك صار الإلهام يسمّى وحيًا». لسان العرب: «وحي».

(٣) النساء: ١٦٣.

(٤) الشورى: ٧.

(٥) القصص: ٧.

إلهام

لغة:

مصدر ألهم، وأصله من لهم بمعنى ابتلع، يقال: لهمه، إذا ابتلعه بمرّة^(١). وبهذه المناسبة يقال لما يلقى في روع الإنسان أي في قلبه: إلهام^(٢)، فكأنما يلتهمه التهاماً لشدة اعتقاده به.

اصطلاحاً:

أن يلقى الله في نفس العبد أمراً يبعثه على الفعل أو الترك بطريق الفيض، وهو نوع من الوحي يخصّ الله به من يشاء من عباده^(٣).

(١) انظر: ترتيب كتاب العين، والصحاح، والقاموس المحيط: «لهم».

(٢) انظر المصادر المتقدمة، لكن جاء في القاموس: «ألهمه الله خيراً: ألقته إياه».

(٣) رياض السالكين ٣: ٣٨٥.

وقال الجرجاني: «الإلهام ما يلقى في الروع بطريق الفيض، وقيل: الإلهام ما وقع في القلب من علم، وهو يدعو إلى العمل من غير استدلال بآية ولا نظر في حجة...». التعريفات (للجرجاني): ٤٩، عنوان «إلهام».

وقال النيسابوري المقرئ: «الإلهام: علم ضروري =